

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده: علی کاظمی

۱۷ دسمبر ۲۰۱۱

## ایران در هفته ای که گذشت

### ضد و نقیض‌گونی مقامات رژیم و ابطال مواضع یکدیگر

تشدید تضادها و بحران در سیاست خارجی جمهوری اسلامی، به تناقضات لاینحل و موضع‌گیری‌های آشکارا ضد و نقیض ارگان‌ها و نهادهای رژیم انجامیده است.

در حالی که ارگان‌های نظامی و امنیتی و حتا مجلس ارتجاع اسلامی، بیش از پیش به تهدیدات نظامی متوسل شده و می‌کوشند با موضع‌گیری‌های خود، درگیری‌های بین‌المللی را تشدید کنند، وزارت امور خارجه، پی در پی در تلاش است این موضع‌گیری‌ها را نفی و به رفع و رجوع آن‌ها بپردازد.

گرچه وزارت امور خارجه هر کشوری تلاش می‌کند سیاست خارجی کشور متبوع خود را به شیوه‌ای به اصطلاح دیپلماتیک پیش ببرد و به ویژه هنگامی که اختلافات و درگیری‌های حادی وجود دارد، ظاهراً در جهت تخفیف تضادها گام بردارد، اما نمی‌تواند موضعی را اتخاذ کند که در تناقض آشکار با مواضع رسمی و دیگر ارگان‌ها و نهادها باشد. لذا آنچه که در جمهوری اسلامی می‌گذرد، چیزی بیش از بازی‌های دیپلماتیک وزارت امور خارجه است و انعکاسی از اختلافات درونی هیأت حاکمه در برخورد به بحران سیاست خارجی رژیم می‌باشد.

موضع‌گیری‌های متناقض ارگان‌ها و مقامات جمهوری اسلامی بر سر حمله نظامی به ترکیه در شرایط جنگ احتمالی و بستن تنگه هرمز چنانچه خرید نفت تحریم شود، بازتاب همین واقعیت است.

در این هفته، اعلام شد که نیروهای نظامی جمهوری اسلامی قصد برپایی یک مانور نظامی را در تنگه هرمز دارند. روز چهارشنبه، رئیس کمیته امنیت داخلی مجلس و عضو کمیسیون امنیت ملی، طی سخنانی در جمع خبرنگاران گفت: "نیروهای مسلح کشورمان در حال برنامه‌ریزی برای انجام یک رزمایش در تنگه هرمز هستند." پوشیده نیست که این مانور، یک واکنش فعال تبلیغاتی و سیاسی در قبال اقدام برخی قدرت‌های جهانی به تحریم خرید نفت از جمهوری اسلامی در آینده است.

تردیدی نیست که نفت یکی از منابع اصلی تغذیه مالی و حیات جمهوری اسلامی است. بدون درآمد نفت، جمهوری اسلامی قادر نخواهد بود، هزینه‌های دستگاه عریض و طویل دولتی و از جمله دستگاه نظامی و سرکوب خود را

تأمین کند. اما حتا با فرض عملی شدن یک چنین تحریمی از سوی برخی دولت‌ها، جمهوری اسلامی نمی‌تواند تنگه هرمز را مسدود کند، چرا که در یک چنین حالتی، اولاً، ناگزیر خواهد شد تقریباً فروش نفت را به کلی متوقف سازد. ثانیاً، این اقدام درگیری نظامی را تسریع خواهد کرد. بگذریم از این مسأله که دولت‌های درگیر با جمهوری اسلامی هم نظاره‌گر بسته شدن تنگه هرمز نیستند و قطعاً آن‌ها نیز اقداماتی انجام داده و یا می‌دهند تا این تاکتیک رژیم را خنثا کنند. از جمله این که چند هفته پیش خبری انتشار یافت که طرح شیخ‌نشین‌ها برای انتقال نفت از مسیر خشکی در سال جدید مورد بهره‌برداری قرار خواهد گرفت. در هر حال جمهوری اسلامی، تنها در شرایط جنگ می‌تواند اقدام به بستن تنگه هرمز نماید. لذا مانور نظامی‌اش در وضعیت موجود، چیزی جز یک مانور تبلیغاتی و سیاسی نیست. تا این نقطه گروه‌های سهیم در حاکمیت می‌توانند نقطه نظر مشترکی داشته باشند، فراتر از آن هر یک می‌کوشد سیاست خود را پیش برد. از همین روست که عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس در ادامه صحبت‌های خود تلاش می‌کند، این مانور را به یک تهدید نظامی جدی تبدیل کند و می‌افزاید: "یکی از ابعاد این رزمایش پاسخ به تهدیدات نفتی دشمنان است." جمهوری اسلامی ایران از همه ظرفیت‌های خود استفاده خواهد کرد و قطعاً یکی از این ظرفیت‌ها تنگه هرمز است که اگر احساس تهدید کرد، تنگه هرمز را مسدود خواهد کرد. پوشیده نیست که رئیس کمیته امنیت مجلس وظیفه‌ای برای اعلام خبر تدارک مانور نظامی و اهداف آن ندارد، اما وقتی که خبرنگاران را فرا می‌خواند تا این خبر و هدف از مانور را اعلام کند، از طرف ارگان‌ها و مقاماتی در جمهوری اسلامی، این وظیفه به او محول شده است.

اما بلافاصله پس از آن، سخنگوی وزارت خارجه با شبکه خبری العالم مصاحبه می‌کند و نه تنها انکار می‌کند که جمهوری اسلامی قصدی برای بستن تنگه هرمز ندارد، بلکه موضع‌گیری‌های خارج از چارچوب وزارت خارجه را بی اعتبار اعلام می‌نماید.

وی در این مصاحبه گفت: "جمهوری اسلامی ایران بارها اعلام کرده است که بحث بستن تنگه هرمز در دستور کار قرار ندارد. زیرا بر این باور است که ثبات و آرامش باید در منطقه برقرار باشد." "افرادی که در کشور مسئولیت رسمی سیاسی ندارند، ممکن است در قالب نماینده مجلس و نماینده بخشی از مردم، نظرات شخصی خود را ابراز کنند، اما مواضع رسمی ایران از طریق مقامات رسمی و سیاسی اعلام می‌شود." این در حالی‌ست که پیش از این فرمانده سپاه پاسداران از مسدود کردن تنگه هرمز سخن گفته بود.

همزمان، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی نیز در گفت و گو با خبرنگار خبرگزاری آناتولی ترکیه، موضع‌گیری‌های فرماندهان سپاه پاسداران مبنی بر حمله نظامی به تأسیسات موشکی ناتو در ترکیه را بی اعتبار خواند و گفت: "این اظهارات، دیدگاه شخصی افراد است و دیدگاه رسمی ایران در قبال مسایل بین‌المللی و سیاست خارجی از سوی مقام معظم رهبری، رئیس جمهور و وزیر امور خارجه بیان می‌شود و هر گونه اظهار نظری خارج از این چارچوب، دیدگاه شخصی افراد محسوب می‌گردد. به همین دلیل بیانات و نقطه نظرات ناآگاهانه از منظر سیاست خارجی ایران مردود است و در همین راستا به افرادی که به طور غیر مسؤولانه و ناآگاهانه اظهار نظر می‌کنند، هشدار داده شده است."

این موضع‌گیری‌های ضد و نقیض مقامات سیاسی و نظامی جمهوری اسلامی و حتا بی اعتبار اعلام کردن مواضع یکدیگر در همان حال که وخیم بودن موقعیت بین‌المللی جمهوری اسلامی را نشان می‌دهد، انعکاسی از تضادها و اختلافات گروه‌های درونی هیأت حاکمه بر سر چگونگی برخورد با بحران در سیاست خارجی رژیم نیز هست. اما همان‌گونه که این تضادها و اختلافات در عرصه سیاست داخلی راه حلی پیدا نکرده و مدام خود را در اشکال

مختلف نشان می‌دهد، در عرصه سیاست خارجی نیز ادامه یافته و می‌یابند. جمهوری اسلامی نمی‌تواند راه حلی برای بحران سیاست خارجی خود پیدا کند و از تناقضات و اختلافات درونی در این عرصه رهایی یابد، به این دلیل که بحران در ذات و موجودیت جمهوری اسلامی است. اگر قرار باشد این بحران برطرف گردد، در آن صورت جمهوری اسلامی دیگر آنی نخواهد بود که اکنون هست. چرا که در آن صورت می‌باید تمام ادعاها و اهداف کنونی سیاست خارجی خود را کنار نهاده باشد.

### نایمینی محیط کار و نبود کنترل و بازرسی فاجعه آفرید

یکشنبه شب این هفته انفجار مرگباری در یکی از کوره‌های ذوب فلزات فولاد غدیر یزد رخ داد که در جریان آن گروهی از کارگران کشته و زخمی شدند. خبرگزاری‌ها به نقل از مقامات محلی، تعداد کشته و زخمی‌ها را ۱۹ نفر اعلام نمودند. اخبار انتشار یافته در نخستین روز حادثه، حاکی بود که در نتیجه این انفجار ۵ کارگر کشته شده‌اند. اما تا آخرین روز این هفته اسامی ۱۳ کارگری که در این حادثه جان باخته‌اند، اعلام شده است. با توجه به شدت این انفجار بیم آن می‌رود که از ۶ نفر باقیمانده نیز تعدادی جان خود را از دست بدهند و حتا به فرض زنده ماندن با سوختگی حدود ۱۰۰ درصد، زندگی برای آن‌ها نیز تفاوتی با مرگ نخواهد داشت.

مقامات دولتی که هرگز نمی‌خواهند علت واقعی این حوادث وحشتناک در محیط کار و قتل و کشتار مداوم کارگران برملا گردد، فرضیات مختلفی را در مورد علت این انفجار مطرح کرده‌اند. برخی گفته‌اند، این امکان وجود دارد که مهمات جنگی غیر قابل استفاده در بین مواد اولیه موجب انفجار شده است. نماینده یزد در مجلس می‌گوید: "مهمات اسقاط موجب بروز انفجار در کارخانه نورد فولاد غدیر شده است." فرماندار یزد می‌گوید: "ممکن است تعدادی کپسول گاز میان ضایعات قابل ذوب، روانه کوره شده که در نتیجه انفجار این کپسول‌ها کوره نیز منفجر شده است." وجود آب در آهن قراضه‌های پرس شده در کوره نیز علت دیگری بر وقوع انفجار ذکر شده است.

اما تمام این اظهار نظرها و فرضیات، حرف مفت است. ظاهرسازی و فریبکاری سرمایه‌داران و دولت برای پنهان نگاه داشتن علت واقعی است. در معادن زغال سنگ، پتروشیمی‌ها، ماشین‌سازی‌ها، شرکت‌های ساختمانی و کارخانه‌های مختلف نیز علل صوری و ظاهری دیگری برای حوادث ناشی از کار اعلام می‌شود. هر سال بین ۲۰ تا ۳۰ هزار کارگر در ایران، در نتیجه حوادث ناشی از کار مصدوم و معلول می‌شوند و صدها تن جان خود را از دست می‌دهند. بر طبق گزارش سازمان پزشکی قانونی، تنها در ۵ ماه نخست امسال ۶۳۹ کارگر در پی حوادث ناشی از کار جان خود را از دست دادند.

علت تمام این حوادث ناشی از کار در تمام کارخانه‌ها و مؤسسات به رغم دلایل متعددی که از سوی سرمایه‌داران و دولت برای آن‌ها ارائه می‌شود، در واقع یکی است. از یک طرف سرمایه‌داران برای کاستن از هزینه‌های تولید و افزایش سود خود، از ایمن‌سازی محیط کار سر باز می‌زنند و از طرف دیگر وزارت کار دولت سرمایه‌داران که ظاهراً قرار است بر ایمنی محیط کار نظارت و کنترل داشته باشد، هیچ اقدامی برای بازرسی و نظارت انجام نمی‌دهد.

در کارخانه فولاد غدیر یزد، آنچه که باعث گردید کارگران جان خود را از دست بدهند و یا مصدوم و معلول شوند، نه آب است، نه گاز و نه حتا مهمات اسقاطی کارخانه‌های اسلحه‌سازی دولتی. سرمایه‌دار این کارخانه برای کاهش هزینه‌های خود از وسایل و تکنیک‌های مدرن برای جداسازی ضایعات قابل ذوب استفاده نکرده است. از استخدام کارگران مورد نیاز برای انجام دقیق این وظایف خودداری کرده است و بالاخره حتا وسایل ایمنی لازم را

برای کارگران تدارک ندیده است. در فاصله ۵ سالی که این کارخانه آغاز به کار کرده است، دقیقاً بنا به همین علل که از حرص و ولع سرمایه‌دار برای کسب سود هر چه بیش‌تر ناشی می‌شوند، ۵ حادثه رخ داده است. اما وزارت کار جمهوری اسلامی کم‌ترین واکنشی نداشته و همچنان نسبت به اتفاقات پیش آمده بی تفاوت بوده است. آنچه که علت واقعی وقوع انفجار در فولاد غدیر یزد است، در مورد کلیه کارخانه‌ها و مؤسسات صادق است. علت تمام حوادث ناشی از کار در فقدان ایمنی محیط کار که همانا از حرص و آز سرمایه‌داران برای کاهش هزینه‌ها و کسب سود بیش‌تر برمی‌خیزد و فقدان هر گونه کنترل نظارت و بازرسی جدی از محیط کار، قرار دارد. بی حقوقی کارگران در رژیم استبدادی جمهوری اسلامی که حتا مانع از آن شده است تشکلهای مستقل کارگری شکل بگیرند و علناً به دفاع از منافع کارگران بپردازند، یک عامل مهم در افزایش روزافزون حوادث ناشی از کار در ایران است. تا وقتی که اوضاع بر این منوال باشد، بهبودی در اوضاع رخ نخواهد داد و همچنان کارگران بی‌رحمانه توسط سرمایه‌داران به قتل‌گاه فرستاده می‌شوند. اولین راه و چاره کارگران برای مقابله با فجایعی که سرمایه‌داران و دولت آن‌ها به بار آورده‌اند، متشکل شدن است. بدون ایجاد تشکلهای مستقل، بدون مبارزه‌ای متشکل کارگران نمی‌توانند به این وضعیت اسفبار خاتمه دهند. چاره کارگران وحدت و تشکیلات است.

### **در ایران فقیر و گرسنه وجود ندارد، به همان دلیل که آزادترین کشور جهان است!**

در ایران فقیر و گرسنه وجود ندارد. این یکی از دروغ‌های گویلیزی جدید احمدی‌نژاد و باند اوست که تاکنون گویا مصرف داخلی داشت، اما اکنون در اجلاس‌های بین‌المللی نیز به سمع شنوندگان می‌رسد. محمدرضا رحیمی معاون اول احمدی‌نژاد، روز سه‌شنبه این هفته در اجلاس افتتاحیه هیجدهمین نشست شورای حکام مرکز توسعه یکپارچه روستائی آسیا و اقیانوسیه شرکت کرد، تا پیشرفت‌های بی‌همتای جمهوری اسلامی را به اطلاع مهمانان حاضر در این اجلاس برساند. ایشان پس از آه و ناله‌های ساختگی پیرامون وضعیت وخیم یک میلیارد مردم فقیر و گرسنه جهان، و اجراء نشدن "اهداف توسعه هزاره در جهت کاهش فقر و گرسنگی" به پیشرفت‌های عظیم جمهوری اسلامی در ریشه‌کن ساختن فقر و گرسنگی و برخورداری شدن همه مردم به ویژه در مناطق روستائی از امکانات بهداشتی و درمانی پرداخت و خطاب به حاضران گفت: "من می‌خواهم تجربه‌ای که امروز در جمهوری اسلامی وجود دارد را به شما هدیه کنم و آن این است که امروز در جمهوری اسلامی هیچ فردی سر بر بالین گرسنگی نمی‌گذارد... امروز در جمهوری اسلامی یک گرسنه وجود ندارد... ما الان فقیر نداریم".

دلیل آن هم که "ما الان فقیر نداریم" و لابد همه مردم ایران مرفه شده‌اند و حتا "امروز در جمهوری اسلامی یک گرسنه هم وجود ندارد" این است که به گفت، ایشان "هر روستائی با اجرای این قانون حدود ۵۰ هزار تومان پول می‌گیرد و یک خانواده‌ای که ۵ میلیون تومان از دولت وام گرفته امروز توانسته یک گله گوسفند راه بیندازد".

ما که در آن جلسه نبودیم تا ببینیم مهمانان با شنیدن این ادعاهای معاون اول رئیس جمهور، چه واکنشی نشان دادند. اما این را می‌دانیم که در اجلاس‌های بین‌المللی معمولاً به این حرف‌ها می‌خندند و گویندگان آن‌ها را مسخره می‌کنند. چون افرادی که در این اجلاس‌ها شرکت می‌کنند، در حیطة کار خود خبره هستند و از مسایل جهانی آگاهی دارند. اما اگر هم آدم‌های بی‌اطلاعی باشند، از یکی از خیابان‌های تهران که بگذرند، متوجه اوضاع در ایران می‌شوند.

در ایرانی که به ادعای معاون احمدی‌نژاد نه فقری وجود دارد و نه حتا یک گرسنه، علی‌الحساب حدود ۸ میلیون از جمعیت فعال کشور بیکارند. این ۸ میلیون با ماهی ۴۵ هزار تومان که به عنوان یارانه نقدی دریافت می‌کنند، گویا

هزینه غذا، پوشاک، مسکن، درمان و تمام هزینه‌های جانبی روزمره آن‌ها چنان تأمین شده است که نه فقط گرسنه سر بر بالین نمی‌گذارند، بلکه از گروه فقرای جامعه نیز خارج شده و به صف مرفه‌ها پیوسته‌اند. حالا اگر در فاصله همین یک سال افزایش بهای کالاها و خدمات، مبلغی فراتر از این به اصطلاح یارانه نقدی را بلعیده است. از نظر معاون احمدی‌نژاد تغییری در این ادعا ایجاد نمی‌کند که با پرداخت ۴۵ هزار تومان در هر ماه، دیگر گرسنه و فقیری در ایران وجود ندارد. این جمعیت بزرگ بیکار با همان ۴۵ هزار تومانی که اکنون در نتیجه تورم به صفر تبدیل شده است، از فقر و گرسنگی نجات یافته‌اند. درست در همان روزی که معاون رئیس‌جمهور در مورد ریشه کنی فقر و گرسنگی از ایران یاوه‌سرایی می‌کرد، سازمان بهزیستی گزارشی از وضعیت زنان تن‌فروش انتشار داد که عموماً از فرط فقر و گرسنگی به تن‌فروشی روی آورده‌اند.

ادعا می‌شود که در ایران فقیر وجود ندارد. اما این واقعیت را هیچ‌کس نمی‌تواند انکار کند که اکثریت بزرگ کارگران و زحمتکشان شاغل نیز زیر خط فقر زندگی می‌کنند. شهرداری تهران، حداقل هزینه یک خانوار را در یک ماه مبلغی بیش از یک میلیون و ۳۰۰ هزار تومان اعلام کرده است، پنهان نیست که اکثریت مردمی که در تهران زندگی می‌کنند، دستمزد و حقوق ماهانه آن‌ها به یک میلیون تومان نیز نمی‌رسد. بنابراین حتی اکثریت کارگران و زحمتکشان شاغل نیز مردمی فقیرند و قادر نیستند حتی زندگی خود و خانواده‌شان را در حداقل تأمین کنند.

با این همه احمدی‌نژاد و دار و دسته‌اش ابائی ندارند که دروغ‌هایی بزرگتر از این را بگویند که در ایران فقیر و گرسنه وجود ندارد. چون ایران یک کشور استثنائی و اسلامی‌ست، در این‌جا حتی یک نفر هم گرسنه نیست. وقتی که ایران تحت سلطه وحشی‌ترین و بی‌رحم‌ترین رژیم استبدادی، آزادترین کشور جهان باشد که به ادعای احمدی‌نژاد، آزادی در آن مطلق است؛ وقتی که وحشی‌ترین و بی‌رحم‌ترین رژیم پاسدار نظم سرمایه‌داری، ادعای ضد سرمایه‌داری داشته باشد، جای تعجب نیست که فقیر و گرسنه‌ای هم در این کشور وجود نداشته باشد. چرا که دروغ‌پردازی و شارلاتانیسم ذاتی حکومت اسلامی است